

In The Name Of God

باسمه تعالی



THE BAM EARTHQUAKE

15

زلزله بم



Author: HOSSEIN GHAFARI SARAVI

Publisher: Shogh +98 9111532867

Design: Simaye Noor Kausar

Illustrator: Maliheh Ahmadi

Coloring: Solaf Asivand

Submission: First 2013

Circulation: 5000 Vol

ISBN: 978-964-2801-77-0

ISBN Period: 978-964-2801-62-6

Price: 35000 R

سرشناسه : غفاری ساروی، حسین، ۱۳۴۳ -
GHAFARI SARAVI, HOSSEIN
عنوان و نام پدیدآور : AUTHOR /SINA'S STORIES
THE BAM EARTHQUAKE
مشخصات نشر : ساری : شوق، ۱۳۹۲ = ۲۰۱۳ م.
مشخصات ظاهری : ۱۲ ص: مصور (رنگی).
فروست THE SINA STORIES
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۰۱-۷۷-۰
۹۷۸-۹۶۴-۲۸۰۱-۶۲-۶
وضعیت فهرست نویسی : فیا
یادداشت : فارسی - انگلیسی
یادداشت : عنوان به فارسی: ساعت سينا.
یادداشت : گروه سنی: ج
موضوع : اصول دین -- داستان‌های نوجوانان
موضوع : خدائشناسی -- داستان‌های نوجوانان
موضوع : داستان‌های اخلاقی، اجتماعی
شناسه افزوده : شرکت سیمای نور کوثر
رده بندی کنگره : ۱۳۹۱ ب ۸ / غ ۲۴۹/۵ BP
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۸
شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۸۳۵۳۵

Friday morning, January 27th, 2002. It was announced on the radio that a strong earthquake had hit the city of Bam, but no details were available right away. The grim news of the devastation came slowly.

Sina's father called home from his office on Saturday morning saying that he was going to go to Bam city to help provide aid to the people in that region. Sina tells the rest of the story: "We were sad that our father was away and the unpleasant news coming from the quake stricken region only made us feel worse. Horrifying television programs about dead and injured people were constant. Sometimes my father would call us with news. Buildings including houses and shops had fallen on residents. Many children were orphaned and homeless. Water and electricity supplies were cut and there was a shortage of food. The weather was cold, and many dead bodies remained under the rubble. There was misfortune and pain everywhere.

صبح روز جمعه پنجم دی ماه سال ۱۳۸۲ بود. رادیو خبر از وقوع زلزله در شهرستان «بم» داده بود ولی از جزئیات آن خبری نداد. رفته رفته خبرهای ناگواری را مخابره می کردند. صبح شنبه پدر سینا از اداره با منزل تماس گرفت که باید برای کمک رسانی به زلزله زدگان اعزام شود. ماجرا را از زبان سینا بشنوید: دوری پدر برای ما غم بود و اخبار ناگوار از بم، غمی بر آن اضافه می کرد. تلویزیون صحنه های ناگواری را نشان می داد.



گاهی اوقات پدرم برایمان تلفن می زد و خبرهایی به ما می رساند.
- خرابی خانه ها و مغازه ها و فرو ریختن سقف و دیوار خانه بر سر مردم.
- کودکان یتیم و بی سرپناهی که پدر و مادرشان را از دست داده اند.
- قطع آب و برق. کمبود غذا. سرمای شدید زمستان. جنازه های زیر آوار مانده.
- و هزاران بلا و مصیبت دیگر...